

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

بهرام رحمانی
۱۹ سپتمبر ۲۰۲۱

هفدهمین جلسه دادگاه حمید نوری در ستهکلم!

هفدهمین جلسه رسیدگی به اتهامات حمید نوری، دادیار پیشین زندان گوهر دشت کرج و از متهمان اعدام دسته جمعی زندانیان سیاسی در ایران، روز پنجشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۰ - ۱۶ سپتمبر ۲۰۲۱ در ستهکلم سویدن، ادامه یافت.



مراحل رسیدگی به پرونده حمید نوری، با برگزاری هفدهمین جلسه دادگاه و شهادت علی اکبر بندلی، یکی از شاهدان و جان بدربرندگان آن واقعه، ادامه یافت.

علی اکبر بندلی، پس از گذشت ۱۸ ماه از زمان دستگیری اش در مرداد ۱۳۶۰ در یک دادگاه پنج دقیقه‌ای، به جرم «هواداری و پخش نشریه سازمان مجاهدین خلق» به ۱۵ سال زندان محکوم شد.

به گفته این زندانی سیاسی سابق او در یک دادگاه «پنج دقیقه‌ای» به ریاست «یونسی» محاکمه شده است.

وی که در تابستان ۱۳۶۵ از زندان قزل حصار به زندان گوهر دشت منتقل شد و حمید نوری را از سال ۱۳۶۶ به عنوان دستیار دادیار زندان گوهر دشت بارها دیده است، او را نفر دوم زندان معرفی کرد.

در هفدهمین جلسه از دادگاه حمید نوری، علی اکبر بندلی، زندانی سیاسی سابق، گفت که اجساد اعدام شدگان سال ۶۷ را از آشپزخانه زندان در کامیون می‌ریختند و از زندان خارج می‌کردند.

علی اکبر بندلی در سال ۶۰، زمانی که سرباز بود به اتهام همکاری با سازمان مجاهدین خلق بازداشت شد.

علی‌اکبر بندلی ۲۵ مرداد به راهرو مرگ رفت، اما هرگز در برابر هیات مرگ قرار نگرفت. او با نوشتن برائت از سازمان مجاهدین و قبول مصاحبه‌ای که هرگز انجام نشد، از اعدام نجات یافت. حکم ۱۵ سال زندان او که به هشت سال کاهش یافته بود، بعداً لغو شد.

بندلی گفت: «یک روز در هفته دوم اعدام‌ها در بند باز شد و حمید نوری ظاهر شد و نام کسی را برد که ما گفتیم که او را قبلاً برده‌اید. عباسی دست محمد فرمانی را که مسئول غذای بند بود و جلوی در ایستاده بود، گرفت و گفت بیا برویم.»

این زندانی سیاسی سابق در ادامه گفت که محمد فرمانی آن روز اعدام نشد و به بند برگشت، اما فردای آن روز گفته بود «من حرف‌های دیروزم را قبول ندارم و مجاهدین خلق را قبول دارم» و بعد از آن او را بردند و اعدام کردند.

بندلی در این جلسه دادگاه همچنین به موضوع انتقال اجساد اعدام‌شدگان از زندان اشاره کرد و گفت: «یک شب، کامیونی که می‌رفت ترمز کرد و دنده عقب گرفت، آمد جلوی آشپزخانه زیر یک چراغ ایستاد. پاسداری بالای کامیون ایستاده بود و ما اجساد بچه‌ها را دیدیم که می‌ریزند توی کامیون، چنان سکوتی حاکم شد که ما صدای زدن قلب همدیگر را می‌شنیدیم. من حالم خیلی بد شده بود. از ناراحتی داشتم منفجر می‌شدم. شب که می‌خواستم بخوابم پتویم را انداختم روی صورت و آن‌قدر «مرگ بر خمینی» گفتم تا خوابم ببرد.»

علی‌اکبر بندلی در ادامه شهادتش گفت که پس از موج اول و دوم اعدام‌ها، زندانبانان از زندانی‌ها می‌خواستند که همبندی‌هایشان را به عنوان «مجاهد» لو بدهند که به گفته او این وضعیت «بسیار ترسناک» و «آزاردهنده‌ای» برای زندانیان بوده است.

هفدهمین جلسه رسیدگی به اتهامات حمید نوری، در فضائی متشنج پیگیری و در جلسه بعد از ظهر متوقف شد. این جلسه به شنیدن شهادت علی‌اکبر بندلی، زندانی سیاسی و از جان‌بهر بردگان اعدام‌های سال ۱۳۶۷ به عنوان شاکی و شاهد پرونده نوری اختصاص یافته بود که با توصیف شاکی از روح‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی به «فریب‌کار»، «دجال» و «شیطان مکار» به اعتراض چند باره نوری منجر و روند دادگاه ابتدا برای دقایقی متوقف شد. وی گفت که از تابستان ۶۶ در زندان گوهردشت بوده و در این زندان به تکرار از بندلی به بند دیگر منتقل شده است. بندلی تأکید کرد که در زمان اعدام‌ها در «بند دو» زندان گوهردشت بوده و از آنجا روند اعدام‌ها را دیده است. بندلی در بخش دیگری از شهادتش در پاسخ به سؤال دادستان گفت که زندانیانی از جمله نصرالله مرندي، محمود رویائی و... را می‌شناسد.

در ادامه جلسه، دادستان از بندلی خواست که به شرح روایت و شهادتش بپردازد. او گفت که با توجه به دسته‌بندی و طبقه‌بندی زندانیان از پیش از سال ۶۷ و بر اساس برخی خبرها از جمله از حمید عباسی شنیده که «اعدام‌ها از قبل برنامه‌ریزی شده بوده» و ربطی به «عملیات فروغ جاویدان» نداشته است.

بندلی در ادامه گفت: «غروب ششم مرداد آمدند آمار گرفتند و هفتم مرداد آمدند تلویزیون بند را بردند. شرایط عجیبی بود. من با رضا زند در انتهای بند نشسته بودم. رضا گفت که با توجه به شرایط حاکم فکر می‌کند همه را خواهند کشت. او گفت که پس چه خوب است که سرودخوان برویم و کشته شویم. او شروع کرد به خواندن سرود که آمدند و هشت نفر از جمله او را صدا زدند و بردند...»

او در بخش دیگری از شهادتش گفت: «یک شب، کامیونی که می‌رفت ترمز کرد و دنده عقب گرفت، آمد جلوی آشپزخانه زیر یک چراغ ایستاد. پاسداری بالای کامیون ایستاده بود و ما اجساد بچه‌ها را دیدیم که می‌ریزند توی کامیون چنان سکوتی حاکم شد که ما صدای زدن قلب همدیگر را می‌شنیدیم. من حالم خیلی بد شده بود. از ناراحتی داشتم

منفجر می‌شدم. شب که می‌خواستم بخوابم پتویم را انداختم روی صورت و آن‌قدر «مرگ بر خمینی» گفتم تا خوابم ببرد.»

بندلی در بخش دیگری افزود که پس از موج اول و دوم اعدام‌ها، زندان‌بانان از زندانی‌ها خواستند که همبندی‌هایشان را به عنوان «مجاهد» لو بدهند که به گفته او این وضعیت «بسیار ترسناک» و «آزاردهنده» بوده است. وی با اشاره به پایان اعدام مجاهدین در ۲۵ مرداد و آغاز اعدام مارکسیست‌ها از ۵ شهریور ۶۷ گفت که در همان روزها وقتی در اتاق «هیات مرگ» بود، شاهد بوده که تلفن زنگ خورده و سپس اعضای هیات از اتاق خارج شدند. در همان زمان محمد مقیسه معروف به ناصریان و حمید نوری خطاب به حسینعلی نیری گفته بودند که «حاج آقا کاش تکلیف این‌ها را هم روشن می‌کردید و بعد می‌رفتید.» نیری در جواب گفته است که «نمی‌شود، حاج احمد(احمد خمینی) زنگ زده که برویم پیش او و ما باید برویم.»

دادستان از بندلی پرسید که از کجا آگاه شد که نوری در سویدن بازداشت شده است. در پاسخ گفت: «دختر برادرم با من تماس گرفت و گفت کسی به نام حمید نوری در سویدن بازداشت شده که گویا دهه ۶۰ در زندان‌ها کار می‌کرده. من گفتم ما در زندان حمید نوری نداشتیم، حمید عباسی داشتیم. بعد زنگ زدم به یکی از دوستان و از او پرسیدم ماجرا چیست. او گفت که نوری همان حمید عباسی است. بعد هم که عکس پاسپورت او را دیدم، شناختمش. در عکس او کمی چاق شده اما عکس پاسپورتش همان بود که من می‌شناختم...»

علی‌اکبر بندلی در سال ۱۳۶۰، زمانی که «سرباز وظیفه» بود به اتهام همکاری با سازمان مجاهدین خلق بازداشت شد. وی دوران حبس خود را در زندان‌های گوهردشت، قزل حصار و اوین سپری کرده است. وی در سال ۱۳۷۳ پس از تحمل ۱۳ سال حبس، از زندان اوین آزاد شده بود.

حمید نوری توسط شاهدان پرونده به‌عنوان دادیار زندان گوهردشت کرج و یکی از هشت عضو «هیات اعدام» در این زندان در جریان اعدام جمعی زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ شناسائی شده است. در این هیات ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور جدید جمهوری اسلامی ایران نیز عضویت داشته است.